

## بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی با شهروندی زیست‌محیطی در بین شهروندان مناطق ۳، ۱۱ و ۱۹ تهران

دکتر امیر رستگار خالد<sup>۱</sup>، قاسم مشکینی<sup>۲</sup> و دکتر صادق صالحی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۵/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۷

### چکیده:

فاجعه‌ی زیست‌محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌رباید، بلکه موجودیت بشر را نیز تهدید می‌کند. محیط زیست شهری مانند همه‌ی محیط‌هایی که زندگی در آنها جریان دارد در فعالیت‌های انسان تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد. این پژوهش به بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری ارزشی با شهروندی محیط زیست در بین سه منطقه‌ی (۳، ۱۱ و ۱۹) شهر تهران می‌پردازد. پژوهش حاضر با روش پیمایش انجام شده است و جامعه‌ی آماری تحقیق شهروندان بالای ۱۸ سال (تا ۶۰ سال) ساکن شهر تهران و نمونه‌ی تحقیق ۳۸۴ نفر از شهروندان سه منطقه‌ی شهر با شیوه‌ی نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ساده انتخاب شدند. ابزار این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. داده‌های حاصل نیز از طریق آماره‌های توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهند که بین فردگرایی و جمع‌گرایی افقی و عمودی با شهروندی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد و در این بین: تأثیر فردگرایی افقی از همه بیشتر است.

**مفاهیم کلیدی:** جهت‌گیری ارزشی، فردگرایی، جمع‌گرایی، شهروندی، زیست‌محیطی

<sup>۱</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران amir\_rastegarkhaled@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسئول) meshkini.01@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران s.salehi.umz@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

مسئله‌ی محیط زیست یک مسأله‌ی مهم جهانی است و تمدن و فرهنگ بشری در واقع حاصل روابط دیرین بین انسان و محیط او است. زیرا ما جزئی از طبیعت و نه جدا از طبیعت هستیم و برای حفظ وجود خود نیاز به حفظ محیط زیست داریم. در جهان کنونی کیفیت محیط زیست انسانی با آهنگی بی‌سابقه رو به ویرانی نهاده و سهمگین‌تر از جنگ و فقر و بیماری است. معنی همه‌ی تلاش‌های متخصصان محیط زیست بر روی هم آن است که دردها و مشتقات انسانی در آینده‌ی نزدیک شدت بیشتری خواهد گرفت (شیرزاداجیرلو و همکاران، ۱۳۹۱: ۴-۵). فاجعه‌ی زیست‌محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌رباید، بلکه موجودیت بشر را نیز تهدید می‌کند. محیط زیست شهری مانند همه‌ی محیط‌هایی که زندگی در آنها جریان دارد در فعالیت‌های انسان تأثیر گذاشته و از آن تأثر می‌پذیرد، و به دلیل شمار جمعیت زیادی که در آن درگیرند این تأثیر متقابل اگر مخرب باشد فجایع زیست‌محیطی به بار خواهد آورد. بیشتر ما در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می‌کنیم و در این محیط شهری است که بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی بروز می‌کند. شهرها و شهرک‌ها از نظر اندازه مرتباً در حال رشد هستند و بر روی سرزمین‌ها گسترده می‌شوند و با رشد خود مناطق با ارزش طبیعی و زمین‌های کشاورزی را از بین می‌برند. فعالان زیست‌محیطی در گذشته معمولاً توجه خود را بر سرزمین‌های وحش متمرکز می‌کردند. اما در آینده تمرکز بر روی شهرک‌ها و شهرها اهمیت خواهد داشت و می‌باید به آنها به‌عنوان محیط‌های مناسب و قابل زیست توجه کرد و بین فعالیت‌های صنعتی و تجاری و کیفیت محیط زیست شهری هماهنگی ایجاد کرد. ما به تدریج در حال تبدیل شدن به یک گونه‌ی شهری هستیم و تأثیر ما بر محیط زیست به‌طور روزافزون از آثار حیات شهری ناشی می‌شود این وضع تا حدودی ناشی از وضعیت رشد جمعیت انسانی و تا حدودی نیز نتیجه تغییرات فن‌آوری است (بوتکین، ۱۳۹۲: ۱۰-۷). امروزه موضوع محیط زیست بیش از هر چیز، موضوعی اجتماعی و نه امری فنی است، شاید ۹۰ درصد مشکلات محیط زیست کشور مربوط به رعایت نکردن قانون (و در بعضی موارد کمبود یا ضعف قانون)، کمبود آموزش اصول محیط زیستی پایه، بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی باشد. درصد کمی از مشکلات مانند گرمایش زمین از نوع تخصصی و پیچیده می‌باشد. به گونه‌ای که حتی کشورهای پیشرفته هم نتوانسته‌اند آن را حل کنند. تقاضای جهانی برای استفاده از منابع طبیعی سلامت محیط را با خطر مواجه ساخته و تنها راه مقابله با این خطر ایجاد گروه‌های دولتی و خصوصی (مانند سازمان‌های حفاظت از محیط زیست) و آموزش مردم

در این خصوص است (نجفیان و نامداری، ۱۳۹۱: ۹۲). تبلور فرهنگ زیست‌محیطی در جامعه این است که فرد فرد آحاد مردم جامعه در جمیع جهات محیط زیست را یک پدیده‌ی حیاتی و با ارزش بدانند و هیچگاه تشکیل‌دهنده‌ی آن که هوا، آب و زمین می‌باشند آسیبی نرسانند. اکنون مسائل زیست‌محیطی بقدری دامنه پیدا کرده‌اند که قلمرو آنها دیگر به مسائل فنی ختم نمی‌شود؛ و در کل مسائل زیست‌محیطی ریشه‌ی فرهنگی دارند و به منظور پذیرش بافت‌های فرهنگی یک جامعه بایستی به صورت ساختاری با موضوع برخورد نمود. در مسأله‌ی محیط زیست رفتارهای نابهنجار در ارتباط با محیط زیست به علت ناآشنایی با فرهنگ شهرنشینی و عدم درک درست از اوضاع زیست‌محیطی حاکم بر جامعه و وضعیت اعتقادات فرهنگی مردم می‌باشد زیرا مردم فرهنگ استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست‌محیطی و فرهنگ زیستن همراه با هم‌زیستی با طبیعت را نیاموخته‌اند و یا به درستی آن را درونی نکرده‌اند. رفتار شهروندان در برخورد با محیط زیست اطرافشان عامل مهمی در کاهش مخاطرات زیست‌محیطی در حیات شهری است (ملک‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). هنگامی که سطح فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، فردگرایی و جمع‌گرایی برای نشان دادن پایان در مقابل یک زنجیره در نظر گرفته می‌شوند، و فرهنگ‌ها اغلب به‌عنوان یکی از دو جهت‌گیری فردی‌گرایی یا جمع‌گرایی در جهت خود شرح داده می‌شوند (تریاندیس، ۱۹۸۹). با این حال، تحقیقات نشان می‌دهد فردگرایی و جمع‌گرایی می‌توانند در فرهنگ، بصورت مشابه وجود داشته باشند و یک فرد ممکن است گرایش‌های فردی و جمعی را با هم در اختیار داشته باشد. اینگلهارت معتقد است زمانی که جامعه به رفاه مادی می‌رسد ارزش‌های فرامادی مانند ارزش‌های زیست‌محیطی تعمیم می‌یابد و علم ارزش عمومی در جامعه پیدا می‌کند. ارزش‌ها نیز تعیین‌کننده‌ی رفتار انسان‌ها هستند. غالباً گفته می‌شود که نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی با ارزش‌های فرد ارتباط دارند. ارزش‌ها اهداف یا معیارهای مهم در زندگی شخصی هستند که نقش مرجع و راهنما را برای فرد ایفاء می‌کنند. همین‌طور آنها پایه و اساسی برای شکل‌گیری نگرش و اصول راهنمای رفتار محسوب می‌شوند؛ به عبارتی دیگر، افراد بر حسب ارزشی که امور برایشان دارد، رفتار می‌کنند. در رابطه با مسائل زیست‌محیطی، در جایی که بین منافع فردی و جمعی تضاد بوجود می‌آید، ارزش‌ها نقش مهمی دارند. رفتار حامی محیط زیست برگرفته از ارزش‌هایی است که فراتر از منافع خود هستند. یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان‌ها به سمت و سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه است این در حالی

است که دست‌یابی به تغییرات رفتاری در ارتباط با موضوعی خاص، در ابتدا نیازمند ایجاد تغییر در نگرش افراد نسبت به همان موضوع است. بنابراین، درک نگرش‌های زیست‌محیطی هدف اساسی و اولیه‌ی محققان در دست‌یابی به بینش‌های جدید در راستای کمک به تحقیقات در زمینه‌ی رفتارهای زیست‌محیطی است. مطالعات سیرز<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که چهار سطح تغییر در فرد وجود دارد. ابتدا دانش فرد می‌باید تغییر پیدا کند (آموزش)، این تغییر در دانش موجب تغییر نگرش و تغییر نگرش موجب تغییر رفتار فردی و تغییر رفتار فردی موجب تغییر رفتار گروهی می‌شود، بدین ترتیب تغییر نگرش فرد نسبت به دانش فردی وی به زمان بیشتری نیاز دارد. تغییر در نگرش فرد می‌تواند بر رفتار وی و در نهایت بر رفتار گروهی (اجتماعی و سازمانی) وی تأثیر گذارد. بحث‌های زیست‌محیطی امروزه در محافل علمی و حتی سیاسی پر سر و صداترین و جدی‌ترین بحث‌هایی است که مطرح می‌شوند، احساس خطر بزرگی که بشر امروز می‌کند این است که تعادل محیط زیست به هم خورده است و این روند اگر ادامه یابد بدون تردید حیات بشر را نابود خواهد کرد. هدف نهایی حفاظت محیط زیست در رابطه با محیط اجتماعی، توسعه و افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی در سطح جامعه و نیز تقویت فرهنگ زیست‌محیطی در سطوح مختلف اجرایی می‌باشد (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۳۶). در تحقیق انجام شده توسط ندافی و همکاران تحت عنوان بررسی مقایسه‌ای کیفیت هوای شهر تهران در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و متعاقب آن در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ مشخص شد که در سال ۱۳۷۶ کیفیت هوا در ۳۲ درصد روزها ناسالم و ۵ درصد از روزها خیلی غیر ناسالم بوده است، در حالی که این موارد در سال ۱۳۷۷ به ترتیب به ۳۴ روز (۶ درصد) افزایش یافت. همچنین در سال ۱۳۸۵، شاخص کیفیت هوا در ۲۶۱ روز و در سال ۱۳۸۶ نیز ۲۱۸ روز بیش از حد استاندارد بوده است. ارفعی‌نیا و همکاران در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که طبق شاخص آلودگی هوا، تهران در سال ۱۳۹۰، ۲۹۷ روز در وضعیت ناسالم، ۴۰ روز بسیار ناسالم و ۴ روز در وضعیت خطرناک بوده که این وضعیت با شرایط مطلوب از نظر استانداردهای زیست‌محیطی فاصله‌ی بسیاری دارد (ارفعی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). همچنین به نقل از سایت خبری خبر خودرو در اسفند ۱۳۹۵، جعفر تشکری هاشمی معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران تعداد خودروهای موجود در تهران را ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار خودرو اعلام کردند که پیش‌بینی می‌شود در دو دهه‌ی آینده تعداد خودروها به ۵۰ میلیون دستگاه می‌رسد که اگر این تعداد از لحاظ فنی دچار مشکلاتی

<sup>۱</sup> Sears

باشند یا بصورت تک‌سرنشین تردد کنند می‌توانند آلودگی شدیدی به همراه داشته باشند. از این‌رو درک درست از نقش عوامل بازدارنده و کاستن از میزان آن‌ها در مقابل تقویت عوامل مشوق می‌تواند به موفقیت در امر حفاظت از محیط زیست بیانجامد. اگر اقداماتی اساسی در زمینه‌ی حفاظت از منابع زیست‌گاهی و طبیعی استان صورت نپذیرد، در آینده مشکلاتی جدی در خصوص محیط زیست استان و ایران خواهیم داشت. باید با تأکید بر شکل‌گیری شهروندی زیست‌محیطی تغییرات فرهنگی جامعه‌ی شهری تهران را بشناسیم و با ارائه‌ی پیشنهادهای در خصوص افزایش کیفیت زندگی شهروندان تهرانی و همچنین افزایش انگیزه‌های شهروندان در مشارکت زیست‌محیطی، بهره‌گیری از مشارکت فعالانه‌ی شهروندان در زمینه‌ی زیست‌محیطی، اقدامات لازم را صورت دهیم.

### مبانی نظری پژوهش

تعریف شهروند در دایره‌المعارف فلسفه‌ی استنفورد: «شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که از حقوقی بهره‌مند است که البته وظایف عضویت نیز برای او محفوظ است». در یک تقسیم‌بندی کلی، مارشال<sup>۱</sup> (۱۹۵۰)، شناخته شده‌ترین نظریه‌پرداز شهروندی، دگرگونی‌های این حوزه را در سه دوره خلاصه کرده است که هنوز بسیار مورد استناد است؛ تثبیت حقوق مدنی شهروندی در پایان سده‌ی ۱۹، مالکیت، گسترش حقوق سیاسی در سده‌ی ۲۰ و تثبیت حقوق و وظایف اجتماعی شهروندی از نیمه‌ی دوم سده‌ی ۲۰. در همین راستا، جامعه‌شناسان، قانون‌گذاران و مجریان دولتی به همراه شهروندان باید به یاری حفظ شهر و حقوق شهروندی با الویت بخشیدن به حفظ محیط زیست بشتابند و با توجه به تغییر نگرش‌های حرفه‌ای، از جهات مختلف به بررسی تحولات ناشی از ظهور فن‌آوری و توان شهروند و دولت صنعتی در تخریب محیط زیست شهری بپردازند و ابعاد مختلف آن را با اهمیت قایل شدن به توسعه‌ی پایدار در معرض شناخت شهروندان و دولت مردان قرار دهند، تا چالش پیش روی آنان را نمایان سازند و سمت و سوی پژوهش‌ها به حقوق و مسئولیت‌های مسئولان و شهروندان معطوف گردد (پیری و قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

الریش بک<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، نظریه و مفهوم جامعه‌ی مخاطره‌آمیز یا ریسک را برای نخستین بار در سال ۱۹۸۶ به زبان آلمانی منتشر کرد (توسلی و دادهیر، ۱۳۸۸: ۲۳). از نظر بک

<sup>۱</sup> Marshal

<sup>۲</sup> Ulrich Beck

اکنون ما در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز به سر می‌بریم که در آن مشکلات زیست‌محیطی به عنوان وضعیتی فرض می‌شوند که پیش از آن به طبقه‌ی اجتماعی بستگی داشت. بک در تعریف جامعه‌ی مخاطره‌آمیز می‌گوید من کلمه‌ی جامعه‌ی مخاطره‌آمیز را برای جوامعی به کار می‌برم که با چالش‌هایی از سوی احتمالات خود، آفریده‌ی خود، ویرانگری تمام زندگی روی زمین مواجه‌اند احتمالاتی که بدواً پنهان‌اند و به یک‌باره آشکار می‌شوند. چیزی که به مشکل محوری توسعه‌ی سیاسی تبدیل می‌شود؛ در این حالت دو فاز وجود دارد در فاز اول ما در برخورد با خود ویرانگری زندگی می‌کنیم و در فاز دوم این تحت یک نظام هدایت نشده و نامسئول گسترش می‌یابد چیزی که به مشکل محوری توسعه‌ی سیاسی تبدیل می‌شود؛ در فاز دوم مدرنیته ما با قید و بندهایی از طرف جهان طبیعی روبرو هستیم و باید انتخاب کنیم که چطور زندگی می‌کنیم (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۱). تحلیل بک از جامعه‌ی مخاطره‌آمیز حاکی از این است که نهادهای متمرکز، نظیر حکومت‌های ملی، اساساً فاقد قابلیت پاسخگویی به دغدغه‌های زیست‌محیطی و دغدغه‌های مربوط به مخاطره‌اند. از چشم‌انداز جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، با چالش‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی پایداری نمی‌توان با جهان‌بینی متعارف برخورد کرد. در عوض، مشکلات زیست‌محیطی وابسته به مجموعه‌ی وسیعی از مشکلات اجتماعی، فردی و نهادی است که با راه حلی ساده برطرف نمی‌شود، حتی خود راه حل‌ها مشکل جدیدی می‌آفرینند که در نوع خود بغرنج‌تر نمی‌شود، در این ساختار اجتماعی نوظهور، درک واقعیت‌های جدید دشوار است. آنها به راحتی از میان انگشتان دستان مفهومی ما لیز می‌خورند و می‌گریزند (اروین، ۱۳۹۳: ۸۵-۸۴).

رایلی دانلاپ<sup>۱</sup>، یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی محیط زیست، رشد و پیشرفت موضوعات این رشته را در آن دوره، در دو مرحله تشریح کرده است؛ نخست آنکه محققان از رخدادهای فراوان حول مسائل محیط زیست تأثیر پذیرفتند و دیدگاه‌های سنتی جامعه‌شناسی درباره‌ی افکار عمومی، جنبش‌های اجتماعی و نهادهای رسمی را در مورد موضوعات زیست‌محیطی مانند ویژگی‌های اجتماعی فعالان محیط زیست و راهکارها و راهبردهای مورد استفاده‌ی آنها به کار گرفتند. بر این اساس، جامعه‌شناسان به ایجاد رشته‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و مخصوص علاقمند شدند و کانون آن را رابطه‌ی بین جوامع صنعتی و مدرن محیط زیست در نظر گرفتند (هانینگان،

<sup>۱</sup> Dunlap

جان، ۱۳۹۲: ۱۶). به زعم دانلاپ و ون لایر<sup>۱</sup> مباحث عمومی در مورد اجتناب‌ناپذیری "محدودیت رشد"، لزوم رسیدن به یک اقتصاد حالت پایا، اهمیت "حفظ تعادل طبیعت" و نیاز به رد این ایده‌ی انسان‌محورانه که طبیعت تنها برای استفاده‌ی انسان‌ها وجود دارد، مثال‌هایی از این تغییرات هستند. در رابطه با این تغییرات، آن‌ها نتیجه می‌گیرند که چنین ایده‌هایی در کنار هم یک جهان‌بینی را تشکیل می‌دهند، شاید بهترین بیانش استعاره‌ی "سفینه‌ی زمین" باشد. دانلاپ و ون لایر برای تمایز این دیدگاه جدید که اختلاف‌های اساسی با پارادایم اجتماعی غالب داشت آن را پارادایم زیست‌محیطی جدید نامیدند. کاتون<sup>۲</sup> و دانلاپ می‌گویند که جهان‌بینی مسلط غربی، مردم را جدا از سایر موجودات، و ارباب تقدیر خود می‌بیند. بحث آن‌ها بر این پایه است که این تصورات، اساساً غیراکولوژیکی هستند؛ در واقع، انسان‌های مدرن با این ایده بزرگ شده‌اند که بشر از قوانین حاکم بر سایر موجودات مبرا است. این نوع جهان‌بینی "نگرش معافیت بشر" نام گرفته است. این جهان‌بینی با چیزی که بعضی از متفکران سبز "انسان‌محوری" می‌نامند تطابق دارد، ایده‌ی معافیت بشر از آنجا گسترش یافت که صنعتی‌شدن، انسان‌ها را به پرواز بر فراز زمین و سفر به زیر اقیانوس‌ها قادر ساخت و آن‌ها توانستند بر تمام محدودیت‌هایی که ظاهراً به علت طبیعت‌شان بر آن‌ها تحمیل شده بود فائق آیند (صالحی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). به اعتقاد بار (۲۰۰۳)، نگرش‌های زیست‌محیطی شامل جهت‌گیری‌های اساسی افراد در مورد محیط زیست است. آن‌ها معتقدند که یافته‌های محققان به صورت کلی و بدون هیچ استثناء حاکی از آن است که این جهت‌گیری منجر به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست می‌شود (همان: ۴۱۰-۴۰۹). به نظر آنتونی گیدنز<sup>۳</sup> «در سنت‌های فکری که با جامعه‌شناسی آمیخته‌اند، مشغله‌های زیست‌بومی چندان جایی ندارند، صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید. به طوری که دگرگونی زیست‌محیطی زیان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ کس بر روی کره‌ی زمین از تأثیر آن برکنار نیست». گیدنز سیاست‌های زیست‌محیطی را پیشرفت‌هایی می‌داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش‌های زیست‌محیطی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت هنجاری در زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آن را می‌پسندد آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. «یکی از

<sup>۱</sup> Van Liere

<sup>۲</sup> Caton

<sup>۳</sup> Anthony Giddens

پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند» (ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳). از نظر وی پیدایش مخاطره‌ی زیست‌محیطی، نه فقط نتیجه‌ی مدرنیته و فرایند جهانی‌شدن، بلکه یک شاخص آن است. مصرف بیش از اندازه منابع و معادن طبیعی و آلوده ساختن بیش از پیش محیط زیست، دو جلوه‌ی اصلی مسائل زیست‌محیطی است که نه فقط مسئله‌ی یک کشور یا یک حکومت معین، بلکه مسئله‌ی جهانیان است. پیدایش مفهوم توسعه‌ی پایدار محصول نیاز جهانی به حل مشکل جهانی زیست‌محیطی است. توسعه‌ی پایدار به معنی توسعه‌ای است که امکانات و منابع توسعه را از نسل‌های آینده سلب نکند. منابع و ذخایر معدنی جهان پایان‌ناپذیر نیستند و به سرعت در حال مصرف‌اند. دمای کره‌ی زمین دائماً گرم‌تر می‌شود. لایه‌ی اوزون آسیب دیده است. دریاها در حال آلوده شدن و جنگل‌ها در حال نابودی‌اند و این‌ها همگی مظاهر مشکل جهانی زیست‌محیطی است که به‌عنوان مسئله‌ی واحدی در برابر کل جامعه‌ی جهانی پدیدار شده است و مقابله با آن به ضرورت جهانی برای تمامی دولت‌ها و افراد و شرکت‌های دنیای امروز بدل شده است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۰). از نظر دابسون<sup>۱</sup> نیز، در یک چشم‌انداز پایدار، یک شهروند زیست‌محیطی مسئولیت کار در جامعه برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار را دارد؛ و این در برگیرنده‌ی تمامی فعالیت‌هایی است که هر شخص به‌طور نرمال به‌عنوان یک شهروندی که وابسته به محیط زیست سالم است (که شامل بازیافت، بازسازی، تجدید و خدمت‌رسانی به محیط زیست می‌شود) وظیفه‌ی انجام آنها را دارد. برخلاف انواع دیگر شهروندی، شهروندی زیست‌محیطی هم ملی و هم بین‌المللی می‌باشد. علاوه بر این یک مسیر نهایی دیگر نیز وجود دارد که شهروندی زیست‌محیطی را از سایر انواع شهروندی متمایز می‌سازد. به‌طور سنتی شهروندی زیست‌محیطی با فضاهای عمومی در ارتباط است. بحث‌ها، مذاکرات، عمل کردن، اعتراض کردن و تقاضاها همه در اجتماع رخ می‌دهند. شهروندی زیست‌محیطی این عناصر سنتی را به اشتراک می‌گذارد. شهروندی زیست‌محیطی می‌تواند بحث کند، اعتراض کند، تقاضا کند و همه‌ی این‌ها در اجتماع اتفاق می‌افتد. علاوه بر این؛ شهروندان زیست‌محیطی می‌دانند که عمل خصوصی آنان دارای الزامات عمومی می‌باشد. از نگاه شهروندان زیست‌محیطی همه‌ی اعمال ما اعمال اجتماعی و عمومی هستند. حتی مواردی که از خانه نشأت می‌گیرد، از غذایی که در خانه می‌پذیم، سرما و گرمایی که به خانه می‌دهیم و مواردی که برای تامین مایحتاج خود برای خانه

<sup>۱</sup> Dobson



می‌خریم (همه ریشه‌ی اجتماعی دارند). همه‌ی این تصمیمات ظاهراً خصوصی، دارای الزامات زیست‌محیطی هستند. بنابراین شهروندی زیست‌محیطی نوعی از شهروندی فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی است. در مجموع وظیفه‌ی شهروندی زیست‌محیطی زندگی پایدار است که در نتیجه‌ی آن دیگران نیز می‌توانند زندگی بهتری داشته باشند. شهروندی زیست‌محیطی مشاغل را در سطوح متفاوتی بررسی می‌کند. و با پرسش از مردم درباره‌ی انعکاس نگرش‌هایشان که شکل‌دهنده‌ی رفتارهایشان می‌باشد، در سطوح عمیق‌تری کار می‌کنند. به‌طور جزئی‌تر و خاص‌تر می‌توان گفت؛ مردم را درباره‌ی ملاحظه‌ی رفتارهایشان در زمینه‌های عدالت و بی‌عدالتی مورد بررسی و پرسش قرار می‌دهد. در بیشتر موارد پاسخ‌ها به محرک‌های مالی واحد و یکسان هستند (اما دلایل و انگیزه‌ها متفاوت است)؛ و این دلایل هستند که اهمیت دارند به اعتقاد من (دابسون) رفتارهای استخراج شده از شهروندی زیست‌محیطی نسبت به رفتارهایی که با مشوق‌ها و بازدارنده‌های مالی برانگیخته می‌شوند، پایداری و دوام بیشتری دارند. این نیز باید به رسمیت شناخته شود که اگر تغییرات رفتاری به عادت تبدیل شود تمایز بین نگرش و رفتار، نمی‌تواند مسئله‌ای ایجاد کند. اما ما می‌توانیم دریابیم که چه تعداد عوامل در مسیر تغییرات رفتاری برای پایدار و طولانی مدت شدن قرار گرفته‌اند. در هر یک از موارد معایب مشابهی وجود دارد. باید اعتراف کرد که شهروندی زیست‌محیطی و تحقق آن بسیار دشوارتر از رفتارهای استخراج شده‌ی ناشی از محرک‌های مالی است. انگیزه‌ها و محرک‌های مالی می‌توانند یک شبه رفتارها را تغییر دهند. در حالی که شهروندی زیست‌محیطی زمان بیشتری می‌برد؛ این دو راهی می‌تواند توسط یک شبکه وضعیتی شرح داده شود. میدانی وجود دارد که در حوزه‌ی آن شهروندی زیست‌محیطی باید ارتقا یابد. و آن جایی نیست جز نظام رسمی آموزش و پرورش (دابسون، ۲۰۰۳: ۱۷۴ و ۲۰۷). تریادنس معتقد است ما جهان را کمتر از آن چیزی که هست و بیشتر از آن گونه‌ای که هستیم، می‌بینیم. این امر نشان‌دهنده‌ی تأثیر فرهنگ بر جهت‌گیری‌های شخصی است. در واقع فرهنگ بر جهت‌گیری شخصی افراد تأثیرگذار است. در گرایش‌های فردگرایانه تعریف از خود غیر وابسته و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت، افراد اختلافات شناختی زیادی تجربه کرده و در تعیین رفتار بیشتر بر گرایش‌های فردی تا هنجارهای موجود تکیه می‌کنند. فردگرایی به استقلال رأی و تکیه بر عقلانیت اشاره دارد. این در حالی است که جمع‌گرایی با اهمیت اهداف گروه برای فرد و تبعیت از هنجارها، فرمانبرداری، پذیرش اقتدار و مشارکت تعریف

می‌شود. در گرایش جمع‌گرایی، تعریف از خود پیوسته با دیگران است، پیروی از هنجارهای درون گروه برای فرد اهمیت دارد؛ افراد اختلالات شناختی کمی را تجربه می‌کنند و برای آنها اطاعت، وظیفه‌شناسی و هماهنگی با گروه در اولویت قرار می‌گیرد. تریادنس مفاهیم افقی و عمودی را به جمع‌گرایی و فردگرایی می‌افزاید. در هر دو حالت، افقی نشان‌دهنده‌ی وضعیتی است که در آن برابری تأکید می‌شود و عمودی سلسله مراتب در روابط را نشان می‌دهد. بر این اساس، کسانی که در تقسیم‌بندی افقی قرار دارند، در مقایسه با کسانی که در تقسیم‌بندی عمودی هستند (مانند جامعه‌ی روستایی هندوستان و کاست‌ها)، به سلسله مراتب اهمیت زیادی نمی‌دهند (تریادنس، ۱۳۸۳: ۵۱).

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

در تحقیقی که با عنوان اثرات اجرای برنامه‌های آموزشی زیست‌محیطی بر طبیعت گردی، توسط شبیری و همکاران در سال ۱۳۹۲ با نمونه‌ی آماری ۱۰۰ نفر از دختران و پسران انجام گرفته، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش در فضای آزاد (خارج از مدرسه، به عنوان مثال رسانه‌ها و چیزهای دیگر) تأثیر بسزایی در تغییر رفتار محیطی دانش‌آموزان، ایجاد خواهد نمود. این تغییر در بین دختران بیشتر محسوس می‌شود. بنابراین تأکید بر روش‌های شیوه‌ی صحیح اجرای آموزش زیست‌محیطی سبب ایجاد تحول در تعهد به طبیعت و پیوند با آن خواهد شد (شبیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۴۸).

ملک‌آبادی و همکاران در سال ۱۳۹۲ در تحقیقی با عنوان تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست‌محیطی شهری (در اصفهان)، که با نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر انجام شده و به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار زیست‌محیطی شهروندان اصفهانی نسبت به دهه‌ی قبل رفتارهایی مسئولانه‌تر شده است. ارتباط افراد با طبیعت و آگاهی بدان از مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده‌ی رفتار زیست‌محیطی از بین دیگر عوامل مورد بررسی شده است (ملک‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰-۱).

صالحی در تحقیقی که در سال ۱۳۹۱ با عنوان بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان) که با نمونه‌ی آماری ۴۴۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن کردستان انجام داده، به این نتیجه رسیده است که رفتارهای مسئولانه‌ی زیست‌محیطی افراد مورد مطالعه در حد بالایی بوده و بین سرمایه‌ی اجتماعی

و رفتارهای زیست‌محیطی افراد رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۰-۱۱۵).

ظهوری‌نیا در سال ۱۳۹۳ با عنوان جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در شهر بندرعباس که بین ۳۹۳ نمونه انجام شد به این نتیجه رسید که ۴۴/۸ درصد به ارزش‌های مادی، ۵۵/۱ درصد به ارزش‌های فرامادی و مادی بصورت هم‌زمان، ۵/۱ به ارزش‌های غیر مادی گرایش دارند (ظهوری‌نیا، ۱۳۹۳).

#### ب) تحقیقات خارجی

همچنین دابسون در سال ۲۰۰۶ در تحقیقی که با عنوان: شهروندی زیست‌محیطی: حرکت به سمت توسعه‌ی پایدار انجام داد به این نتیجه رسید که تغییر در رفتار افراد، نهادها و ارگان‌ها، پیش‌نیازی برای توسعه‌ی پایدار می‌باشد؛ بنابراین این مقاله این سؤال را برمی‌انگیزد که درجه‌ی اهمیت این تغییرات تا چه حد است؟ در این مقاله تمایزاتی بین تغییر در رفتار و تغییر در نگرش استخراج شده است؛ و بحث‌ها و استدلال‌ها بیشتر به منظور و هدف دستیابی به تغییرات طولانی‌مدت و مطمئن‌تر، مطرح شده‌اند.

کایرز و همکاران (۱۹۹۹)، در مطالعه‌ی تحت عنوان "نگرش و رفتار بوم‌شناسی زیست‌محیطی" به بررسی نگرش‌ها و رفتار بوم‌شناسی زیست‌محیطی پرداخته‌اند. محققان مذکور معتقدند افرادی که دانش بیشتری در مسائل زیست‌محیطی دارند، نسبت به محیط و مسائل آن حساس‌تر می‌گردند، لذا به احتمال بیشتر این افراد دارای نگرش مثبت نسبت به محیط زیست نیز می‌باشند و به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست می‌پردازند؛ همچنین آنها معتقدند که بهترین پایگاه‌های دفاع از محیط زیست باید در فکر انسان ساخته‌شود و آموزش انسان در مورد مسائل و مشکلات زیست‌محیطی بخش بنیادین این پایگاه‌های ذهنی است که آموزش زیست‌محیطی باعث افزایش آگاهی و دانش زیست‌محیطی می‌شود و دانش زیست‌محیطی منجر به شکل‌گیری نگرش زیست‌محیطی مسئولانه در ذهن انسان می‌شود در نتیجه این نگرش است که ما شاهد رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌ای نسبت به محیط زیست خواهیم بود.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام شده و گردآوری اطلاعات آن با استفاده از پرسشنامه صورت پذیرفته است. جمعیت آماری تحقیق حاضر شامل افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق شهری شهر تهران می‌باشد که بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ برابر ۵۹۲۰۹۳۰ نفر است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). از این تعداد ۲۹۰۰۳۲۰ نفر زن و ۳۰۲۰۶۱۰ نفر مرد هستند که از این میان ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه‌ی تحقیق انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری احتمالی<sup>۱</sup> است که از میان انواع نمونه‌گیری احتمالی، در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است مقدار آلفای بدست آمده برای متغیر مستقل و وابسته به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱: آلفای متغیرها

ضریب آلفا	شاخص‌ها	متغیرهای پژوهش
۰/۷۹	شهروندی زیست‌محیطی	متغیر وابسته
۰/۷۹،۵	جهت‌گیری ارزشی	متغیر مستقل

## یافته‌های پژوهش

بر اساس تحقیق حاضر، حجم نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد که ۲۰۰ نفر (۵۲/۱ درصد) از حجم نمونه را مردان و ۱۸۴ نفر (۴۷/۹ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. که از بین آنها ۵۱/۶ درصد پاسخگویان افراد کمتر از ۳۰ سال، ۲۲/۴ درصد پاسخگویان افراد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۸/۸ درصد پاسخگویان افراد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۷/۳ درصد پاسخگویان نیز بیشتر از ۵۰ سال سن داشتند. کم‌سن‌ترین پاسخگو ۱۸ سال و بالاترین سن پاسخگو ۶۰ سال می‌باشد. میانگین سنی پاسخگویان ۳۳ سال و نما برابر با ۲۵ سال می‌باشد؛ و همچنین ۱۲۸ نفر (۳۳/۳ درصد) از حجم نمونه در منطقه‌ی ۳، ۱۲۸ نفر (۳۳/۳ درصد) در منطقه‌ی ۱۱ و ۱۲۸ نفر (۳۳/۳ درصد) در منطقه‌ی ۱۹ ساکن می‌باشند.

<sup>۱</sup> probability sampling

**سنجش تفاوت میانگین میزان شهروندی زیست محیطی بر حسب منطقه محل سکونت**

**جدول ۲:** آزمون تفاوت میانگین متغیر وابسته و ابعاد آن بر حسب منطقه‌ی سکونت

متغیر	طبقات			میزان $F$	سطح معنی داری
	فرآوانی	میانگین	میزان $F$		
شهروندی زیست محیطی	منطقه‌ی ۳	۱۲۸	۱۹۳/۲۷	۷۹/۲۰	۰/۰۱
	منطقه‌ی ۱۱	۱۲۸	۱۷۶/۴۷		
	منطقه‌ی ۱۹	۱۲۸	۱۶۲/۴۴		
	کل	۳۸۴	۱۷۷/۳۹		
متغیر	طبقات			میزان $F$	سطح معنی داری
فرآوانی	میانگین	میزان $F$			
شهروندی زیست محیطی	منطقه‌ی ۳	۱۲۸	۱۹۳/۲۷	۷۹/۲۰	۰/۰۱
	منطقه‌ی ۱۱	۱۲۸	۱۷۶/۴۷		
	منطقه‌ی ۱۹	۱۲۸	۱۶۲/۴۴		
	کل	۳۸۴	۱۷۷/۳۹		

خروجی آزمون تحلیل واریانس یک طرفه جهت مقایسه‌ی شهروندی زیست محیطی بر حسب منطقه‌ی مسکونی در جدول فوق آمده است. بر اساس این آزمون، از آنجایی که سطح معناداری ۰/۰۱ (کمتر از ۰/۰۵) می‌باشد؛ لذا این تفاوت معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه‌ی آماری ما را دارد.

**جدول ۳:** آزمون برابری واریانس گروه‌ها

متغیر	آماره‌ی لون	درجه‌ی آزادی ۱	درجه‌ی آزادی ۲	سطح معناداری
شهروندی زیست محیطی	۲/۰۳	۲	۳۸۱	۰/۱۳

جدول فوق برای پی بردن به این مسئله که آیا واریانس گروه‌ها با یکدیگر برابر است یا خیر مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجایی که سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ لذا نتیجه گرفته می‌شود که واریانس گروه‌ها با یکدیگر برابر است و باید از یکی از آزمون‌های تعقیبی واریانس برابر استفاده کرد.

**جدول ۴:** آزمون تعقیبی توکی میان منطقه‌ی سکونت بر حسب مقایسه‌ی میانگین متغیر

## شهروندی زیست‌محیطی

سطح معناداری	اختلاف میانگین	وضعیت تأهل	
۰/۰۰	۱۶/۸۰	منطقه‌ی ۱۱	منطقه‌ی ۳
۰/۰۰	۳۰/۸۲	منطقه‌ی ۱۹	
۰/۰۰	-۱۶/۸۰	منطقه‌ی ۳	منطقه‌ی ۱۱
۰/۰۰	۱۴/۰۲	منطقه‌ی ۱۹	
۰/۰۰	-۳۰/۸۲	منطقه‌ی ۳	منطقه‌ی ۱۹
۰/۰۰	-۱۴/۰۲	منطقه‌ی ۱۱	

بر اساس نتایج جدول ۴ با توجه به سطح معناداری‌های موجود، سطح معناداری بین افراد ساکن در منطقه‌ی ۳ و ۱۱، ۳ و ۱۹ و ۱۱ و ۱۹ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و معنادار است؛ به این صورت که شهروندی زیست‌محیطی افراد منطقه‌ی ۳ بیشتر از افراد منطقه‌ی ۱۱ و ۱۹ و شهروندی زیست‌محیطی افراد منطقه‌ی ۱۱ یازده بیشتر از افراد منطقه‌ی ۱۹ می‌باشد و این اختلاف قابلیت تعمیم‌دهی به کل جامعه‌ی آماری ما را نیز دارد.

**سنجش تفاوت میانگین میزان شهروندی زیست‌محیطی و ابعاد آن بر حسب جنس****جدول ۵:** آزمون تفاوت میانگین متغیر وابسته و ابعاد آن بر حسب جنس

سطح معناداری	آماره‌ی <i>t</i>	میانگین	تعداد	متغیر جنس	متغیر وابسته و ابعاد آن
۰/۰۱	-۳/۷۶	۱۷۳/۱۴	۲۰۰	مرد	شهروندی زیست‌محیطی
		۱۸۲/۰۲	۱۸۴	زن	
۰/۴۶	۰/۷۴	۲۷/۴۳	۲۰۰	مرد	شهروندی
		۲۵/۰۴	۱۸۴	زن	
۰/۱۱	۱/۶۰	۴۲/۲۰	۲۰۰	مرد	دانش زیست‌محیطی
		۴۱/۱۱	۱۸۴	زن	
۰/۰۱	-۶/۱۰	۵۶/۳۷	۲۰۰	مرد	رفتار زیست‌محیطی
		۶۵/۲۵	۱۸۴	زن	
۰/۰۶	-۱/۸۶	۴۷/۱۳	۲۰۰	مرد	نگرش زیست‌محیطی
		۴۸/۱۶	۱۸۴	زن	

خروجی آزمون دو گروه مستقل جهت مقایسه‌ی میانگین‌های شهروندی زیست‌محیطی و ابعاد آن در بین مردان و زنان در جدول ۵ آمده است. جدول فوق بیانگر پنج آزمون  $t$  تست می‌باشد که بر اساس آزمون اول، میانگین شهروندی زیست‌محیطی در بین مردان کمتر از زنان می‌باشد و از آنجایی که سطح معناداری  $0/01$  (کمتر از  $0/05$ ) می‌باشد؛ لذا این تفاوت معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه‌ی آماری ما را دارد. شهروندی زیست‌محیطی متغیر وابسته‌ی این تحقیق می‌باشد که چهار متغیر: شهروندی، دانش زیست‌محیطی، رفتار زیست‌محیطی و نگرش زیست‌محیطی ابعاد آن را تشکیل می‌دهند که در زیر به توزیع فراوانی و درصدی هر یک از این ابعاد پرداخته می‌شود.

جدول ۶: توزیع فراوانی و درصدی متغیر شهروندی

کل		زن		مرد		جنسیت شهروندی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴/۴	۱۷	۲/۳	۹	۲/۱	۸	کم
۶۴/۱	۲۴۶	۳۰/۵	۱۱۷	۳۳/۶	۱۲۹	متوسط
۳۱/۵	۱۲۱	۱۵/۱	۵۸	۱۶/۴	۶۳	زیاد
۰/۱۰۰	۳۸۴	۴۷/۹	۱۸۴	۵۲/۱	۲۰۰	کل

جدول فوق بیانگر توزیع فراوانی و درصدی متغیر شهروندی بر حسب جنس می‌باشد. بر اساس نتایج این جدول ۴/۴ درصد پاسخگویان، شهروندی آن‌ها به مقدار «کم»، ۶۴/۱ درصد پاسخگویان، شهروندی آن‌ها به مقدار «متوسط» و ۳۱/۵ درصد پاسخگویان، شهروندی آنان به مقدار «زیاد» می‌باشد.

جدول ۷: توزیع فراوانی و درصدی متغیر دانش زیست‌محیطی

کل		زن		مرد		جنسیت دانش زیست‌محیطی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳/۹	۱۵	۳/۱	۱۲	۰/۸	۳	کم
۷۵/۸	۲۹۱	۳۵/۴	۱۳۶	۴۰/۴	۱۵۵	متوسط
۲۰/۳	۷۸	۹/۴	۳۶	۱۰/۹	۴۲	زیاد
۰/۱۰۰	۳۸۴	۴۷/۹	۱۸۴	۵۲/۱	۲۰۰	کل

جدول ۷ بیانگر توزیع فراوانی و درصدی متغیر دانش زیست‌محیطی بر حسب جنس می‌باشد. بر اساس نتایج این جدول ۳/۹ درصد پاسخگویان، دانش زیست‌محیطی آن‌ها به مقدار «کم»، ۷۵/۸ درصد پاسخگویان، دانش زیست‌محیطی آن‌ها به مقدار «متوسط» و ۲۰/۳ درصد پاسخگویان، دانش زیست‌محیطی آنان به مقدار «زیاد» می‌باشد.

**جدول ۸:** توزیع فراوانی و درصدی متغیر رفتار زیست‌محیطی

کل		زن		مرد		جنسیت
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷/۳	۲۸	۲/۹	۱۱	۴/۴	۱۷	کم
۷۳/۶	۲۸۳	۳۲/۲	۱۲۴	۴۱/۴	۱۵۹	متوسط
۱۹/۱	۷۳	۱۲/۸	۴۹	۶/۳	۲۴	زیاد
۰/۱۰۰	۳۸۴	۴۷/۹	۱۸۴	۵۲/۱	۲۰۰	کل

جدول فوق بیانگر توزیع فراوانی و درصدی متغیر رفتار زیست‌محیطی بر حسب جنس می‌باشد. بر اساس نتایج این جدول ۷/۳ درصد پاسخگویان، رفتار زیست‌محیطی آن‌ها به مقدار «کم»، ۷۳/۶ درصد پاسخگویان، رفتار زیست‌محیطی آن‌ها به مقدار «متوسط» و ۱۹/۱ درصد پاسخگویان، رفتار زیست‌محیطی آنان به مقدار «زیاد» می‌باشد.

**جدول ۹:** توزیع فراوانی و درصدی متغیر نگرش زیست‌محیطی

کل		زن		مرد		جنسیت
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲/۳	۹	۲/۳	۹	۰/۰	۰	کم
۸۱/۳	۳۱۲	۳۹/۸	۱۵۳	۴۱/۴	۱۵۹	متوسط
۱۶/۴	۶۳	۵/۷	۲۲	۱۰/۷	۴۱	زیاد
۰/۱۰۰	۳۸۴	۴۷/۹	۱۸۴	۵۲/۱	۲۰۰	کل

جدول فوق بیانگر توزیع فراوانی و درصدی متغیر نگرش زیست‌محیطی بر حسب جنس می‌باشد. بر اساس نتایج این جدول ۲/۳ درصد پاسخگویان، نگرش زیست‌محیطی آن‌ها به مقدار «کم»، ۸۱/۳ درصد پاسخگویان، نگرش زیست‌محیطی آن‌ها به مقدار «متوسط» و ۱۶/۴ درصد پاسخگویان، نگرش زیست‌محیطی آنان به مقدار «زیاد» می‌باشد.



**جدول ۱۰:** آزمون همبستگی پیرسون (فرضیات پژوهش)

ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد	فرضیات
۰/۳۸	۰/۰۱	۳۸۴	فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد بین فردگرایی افقی با شهروندی زیست‌محیطی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد
-/۰۶	۰/۲۱	۳۸۴	فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد بین فردگرایی عمودی با شهروندی زیست‌محیطی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد
۰/۳۰**	۰/۰۱	۳۸۴	فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد بین جمع‌گرایی افقی با شهروندی زیست‌محیطی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد
۰/۰۶	۰/۲۱	۳۸۴	فرضیه‌ی چهارم: به نظر می‌رسد بین جمع‌گرایی عمودی با شهروندی زیست‌محیطی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد

\*\* سطح معناداری یک درصد (۰/۰۱)

جدول ۱۰ آزمون رابطه‌ای پیرسون بین چهار متغیر فاصله‌ای فردگرایی افقی و عمودی و جمع‌گرایی افقی و عمودی با شهروندی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد.

فرضیه‌ی اول: از آنجایی که بر اساس خروجی این جدول مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۱ (کمتر از ۰/۰۵) می‌باشد؛ لذا به این صورت استنتاج می‌شود که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری از نظر آماری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۸ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی همبستگی مثبت بین دو متغیر فوق می‌باشد. به این معنا که هر چه بر فردگرایی افقی افزوده شود، شهروندی زیست‌محیطی آنان نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه فرضیه‌ی اول ما تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی دوم: جدول ۱۱ آزمون رابطه‌ای پیرسون بین دو متغیر فاصله‌ای فردگرایی عمودی و شهروندی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. از آنجایی که بر اساس خروجی این جدول مقدار سطح معناداری برابر ۰/۲۱ (بیشتر از ۰/۰۵) می‌باشد؛ لذا به این صورت استنتاج می‌شود که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری از نظر آماری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه‌ی دوم ما رد می‌گردد.

فرضیه‌ی سوم: جدول فوق آزمون رابطه‌ای پیرسون بین دو متغیر فاصله‌ای جمع‌گرایی افقی و شهروندی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. از آنجایی که بر اساس خروجی این جدول مقدار سطح معناداری برابر  $0/01$  (کمتر از  $0/05$ ) می‌باشد؛ لذا به این صورت استنتاج می‌شود که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری از نظر آماری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر با  $0/38$  می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی همبستگی مثبت بین دو متغیر فوق می‌باشد. به این معنا که هر چه بر جمع‌گرایی افقی افزوده شود، شهروندی زیست‌محیطی آنان نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه فرضیه‌ی سوم ما تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی چهارم: جدول فوق آزمون رابطه‌ای پیرسون بین دو متغیر فاصله‌ای جمع‌گرایی عمودی و شهروندی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. از آنجایی که بر اساس خروجی این جدول مقدار سطح معناداری برابر  $0/00$  (کمتر از  $0/05$ ) می‌باشد؛ لذا به این صورت استنتاج می‌شود که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری از نظر آماری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه‌ی چهارم ما رد می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

نتایج آماره‌های توصیفی متغیرها به این صورت بوده است: از مجموع ۳۸۴ شهروند مورد مطالعه در این پژوهش ۲۰۰ نفر ( $52/1$  درصد) از حجم نمونه را مردان و ۱۸۴ نفر ( $47/9$  درصد) را زنان تشکیل می‌دهند؛ و از این تعداد ۱۹۹ نفر ( $51/8$  درصد) از حجم نمونه را افراد مجرد، ۱۵۵ نفر ( $40/4$  درصد) را افراد متأهل و ۳۰ نفر ( $7/8$  درصد) را افراد طلاق گرفته تشکیل می‌دهند. بیشتر افراد مورد بررسی یعنی  $25/8$  درصد دارای تحصیلات لیسانس و کمترین درصد مربوط به تحصیلات حوزوی می‌باشد که  $3/9$  می‌باشد. اکثر افراد در گروه سنی ۱۸-۳۰ قرار داشته‌اند؛ همچنین بیشترین تعداد پاسخگویان شاغل می‌باشند که  $39/1$  درصد) پاسخگویان را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که کمترین تعداد پاسخگویان مربوط به افراد خانه‌دار و بازنشسته بود که هر یک  $7/8$  درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دادند؛ و همچنین ۱۲۸ نفر ( $33/3$  درصد) از حجم نمونه در منطقه‌ی ۳، ۱۲۸ نفر ( $33/3$  درصد) در منطقه‌ی ۱۱ و ۱۲۸ نفر ( $33/3$  درصد) در منطقه‌ی ۱۹ ساکن می‌باشند. در جمع‌بندی کلی و بر اساس یافته‌های توصیفی و استنباطی می‌توان گفت که جهت‌گیری ارزشی با شهروندان زیست‌محیط ارتباط دارد و این ارتباط بدین گونه می‌باشد: در زمینه‌ی حقوق و وظایف شهروندی؛ شهروندان معتقدند شهرداری به وظایف خود در

قبال شهروندان، به درستی عمل نمی‌کند و خود شهروندان هم از آنجایی که از پیامد رفتار زیست‌محیطی‌شان آگاهی درستی ندارند یا به ندرت به پیامد آن فکر می‌کنند. طبق تحقیق انجام شده و در شرایط فعلی و با توجه به پیشرفت‌هایی گسترده‌ای که در جهان صورت گرفته و افراد جامعه به سمت فردیت کشانده می‌شوند، اشخاصی که فردگرایی آنها به صورت افقی می‌باشد نسبت به زیست‌محیط خودشان رفتار مناسب‌تری دارند اما افراد با ویژگی‌های فردگرایی عمودی در اثر تمامیت‌خواهی و فردگرایی افراطی، بیشتر به خود و منافع شخصی خود توجه دارند و زیست‌محیط در مرحله‌های بعدی در اولویت قرار می‌گیرد. از آنجایی که کشور ما یک کشوری است که ترکیبی از سنت و مدرنیته ناقص می‌باشد؛ هر چند جامعه به سمت فردگرایی می‌رود اما جمع‌گرایی هم به قوت خود باقی است، و طبق تحقیقی که صورت گرفته است افرادی که ویژگی‌های جمع‌گرایی افقی دارند مثل فردگرایی افقی رفتار معقولانه‌ای با زیست‌محیط خودشان دارند و نسبت به محیط اطرافشان و پیامد کارشان آگاهی بیشتری دارند؛ اما افراد با ویژگی جمع‌گرایی عمودی همانند فردگرایی عمودی زیست‌محیط را اولویت‌های بعدی خود قرار می‌دهند؛ این افراد به علت غرق در گروه بودن و در خدمت گروه بودن بیشتر تمرکز خود را به گروه، خویشاوندان و ... می‌دهند تا به پیامد رفتار خود در قبال محیط زیست. همچنین افرادی که در منطقه‌ی ۳ زندگی می‌کنند نسبت به افرادی که در منطقه‌ی ۱۱ و افراد منطقه‌ی ۱۱، نسبت به افراد منطقه‌ی ۱۹، رفتار زیست‌محیطی مناسبی دارند. با توجه به اهمیت و ضرورت حیاتی و اجتناب‌ناپذیر وجود یک قانون اساسی دارای گفتمان شهروندمدار که حاوی الزامات حقوقی «حقوق‌مدار» و هم «وظیفه‌مدار» باشد، پیشنهاد می‌شود که در قانون اساسی به صراحت از عباراتی نظیر «شهروندی و محیط زیست» و یا «حقوق و وظایف شهروندی مرتبط با محیط زیست» یاد شود؛ همچنین باید از جهت‌گیری «شهروندمدارانه» و برخورداری از محیط زیست سالم برخوردار باشد. در این میان تغییر گفتمان در قوانین مدنی و جزایی، قانون شوراها، اسلامی، قانون شهرداری و برخی دیگر از قوانین خاص از اولویت برخوردار است. لازم به ذکر است که این فقط رفتار خود شهروندان نیست که باعث از بین رفتن محیط زیست می‌شود، خود مسئولین و ارگان‌های مرتبط با محیط زیست به وظایف خود در قبال شهروندان و محیط زیست نیز عمل نمی‌کنند و یا به صورت ناقص عمل می‌کنند.

**فهرست منابع:**

- ادهمی، عبدالرضا و اکبرزاده، الهام (۱۳۹۰). "بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران"، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۱.
- ارفعی‌نیا، حسین؛ کرمانی، مجید؛ آقائی، مینا؛ بهرامی اصل، فرشاد و کریم‌زاده، سیما (۱۳۹۲). "بررسی مقایسه‌ای کیفیت بهداشتی هوای کلان‌شهرهای تهران، اصفهان و شیراز در سال ۱۳۹۰"، کدام فصلنامه؟، دوره ۱، شماره ۴، زمستان.
- اروین، آلن (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی و محیط زیست، ترجمه‌ی صادق صالحی، انتشارات دانشگاه مازندران.
- آزاده منصوره، اعظم و عاصفه، توکلی (۱۳۸۶). "فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری"، فصلنامه‌ی انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳(۹).
- بوتکین، دانیل و کلر، ادوارد (۱۳۹۲). شناخت محیط زیست، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- پیری، مریم و قاسمی، ناصر (۱۳۸۸). "بررسی حقوقی - قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست؛ علوم و تکنولوژی محیط زیست"، دوره ۱۱، شماره ۳.
- تریانندیس، هری (۱۳۸۳). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه‌ی نصرت فتی، تهران: رسانش.
- توسلی، غلامعباس و دادهیر، ابوعلی (۱۳۸۸). "مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه‌ی مخاطره‌آمیز؛ تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر"، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان.
- حقیقتیان، منصور؛ پورافکاری، نصرالله و جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). "تأثیر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی بر توسعه‌ی اجتماعی (مورد مطالعه: کارکنان پارس جنوبی (عسلویه))"، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۱، زمستان.
- خوش‌فر، غلامرضا و صالحی، صادق (۱۳۸۸). سرمایه‌ی اجتماعی و رفتار زیست‌محیطی، همایش بررسی طرح مسائل اجتماعی استان مازندران.
- دابسون، اندر (۱۳۸۸). اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی سبز، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- شبییری، محمد؛ شمسی پاک‌یاده، زهرا و ابراهیمی، هادی (۱۳۹۲). "اثرات اجرای برنامه‌های آموزش زیست‌محیطی بر طبیعت‌گردی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مدارس لنگرود)، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری، سال دوم، شماره ۷، زمستان.

شیرزاداجیرلو، جهان و شیرزاداجیرلو، شیرین (۱۳۹۱). آلودگی و خطرات ناشی از آن، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست.

صالحی، صادق (۱۳۸۹). "نگرش جدید نسبت به محیط زیست و مصرف انرژی"، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره‌ی ۲۰، پاییز.

صالحی، صادق (۱۳۹۱). "بررسی رابطه‌ی دانش و رفتار مسئولانه‌ی زیست‌محیطی"، فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره‌ی ۱۱۶.

صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). "تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عملکرد زیست‌محیطی دانشجویان"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره‌ی ۳، پیاپی (۵۵)، پاییز.

صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). "نوسازی بوم‌شناختی و مصرف انرژی"، پژوهش‌نامه‌ی توسعه‌ی فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان.

صالحی، صادق و لقمان، امام‌قلی (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان)"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی سیزدهم.

ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۹۳). جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در شهر بندرعباس، فصلنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق)، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۲، زمستان.

فرصت، محمد (۱۳۸۴). "ارزشیابی آموزش زیست‌محیطی در نظام آموزش عالی کشور، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، رشته‌ی مدیریت محیط زیست.

مختاری ملک‌آبادی، رضا؛ عبداللهی، عظیمه و صادقی، حمیدرضا (۱۳۹۳). "تحلیل بازشناسی رفتارهای زیست‌محیطی شهری"، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سالنامه‌ی آماری ایران، تهران، مرکز آمار ایران.

نجفیان، محسن و نامداری، روح‌انگیز (۱۳۹۱). "بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر عملکرد زنان در حفظ محیط زیست"، سال سوم، شماره‌ی ۱۱، بهار.

Dobson, A. (2007). "Environmental Citizenship", Towards Sustainable Development: Sust. Dev. 15.

---

Dunlap, R. E. (2008). *The New Environmental Paradigm Scale: From Environmental Sociology*. Westport, CT: Greenwood Press.

Dunlap, R. E. and Jones, R. E. (2002). *Assessing Children's Environmental Worldviews: Modifying and Validating the New Ecological Paradigm Scale for Use With Children*.